



سلسله کتب آموزشی ویژه عمره دانشجویی

(۲)

## نسیم تفاهم

• اطلاعات و پاسخهای مورد نیاز

نگارش:

دکتر مصطفی عباسی مقدم



اسم کتاب: نسیم تفاهم (اطلاعات و پاسخهای مورد نیاز)

مؤلف: دکتر مصطفی عباسی مقدم

ناشر: فقاہت

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۶

تیراژ: ۵۰۰۰

چاپخانه: ستاره

شابک: ۶ - ۳۸ - ۷۹۱۱ - ۹۶۴

## نسیب تفاهم

- پیشگفتار

### فصل ۱- اطلاعات مورد نیاز زائران

- آیات و جملات قرآنی موردنیاز برای تفاهم و

همفکری با مسلمانان

- احادیث و روایات مورد نیاز

### فصل ۲- پاسخگویی به پرسشها و شبههها

- تفاوت‌های اساسی شیعه و اهل سنت چیست؟

- دلیل برتری اهل بیت چیست؟

- ماجرای غدیر خم چیست؟

- نظر شیعه درباره صحابه

- علت بوسیدن و تبرک جستن شیعیان به ضریح

و دیوار حرم و اماکن مقدس چیست؟

- چرادر اذان «شهد ان علیا ولی الله» می‌گویید و

چیزی به اذان اضافه می‌کنید؟

- آیا شیعه به تحریف قرآن معتقد است؟ قرآن

شیعه با قرآن اهل سنت چه تفاوتی دارد؟

- آیا تقیه به معنای نفاق نیست؟

- چرا شیعیان بیش از حد بر اهل بیت پیامبر تأکید

می‌کنند درحالی که اهل سنت هم دوستدار

خاندان پیامبرند؟

- چرا شیعیان بر مهر یا تربت سجده می کنند؟
- آیا قرآن شیعیان ارتباطی با مصحف علی و مصحف فاطمه دارد؟
- چرا شیعیان درباره علی (علیه السلام) و امامان غلو می کنند؟
- چرا شیعیان خلفا را سب و لعن می کنند؟
- چرا شیعیان نزد قبور امامان و پیامبر گریه می کنند؟
- توسل به غیر خدا چه دلیلی دارد و آیا به معنی شرک ورزیدن نیست؟

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای تحقق دو اصل ارتقاء محوری و آموزش محوری در کلیه برنامه ها، اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار داده است که یکی از آنها، تهیه و تدوین جزوات و کتب آموزشی ویژه سفر عمره دانشجویی می باشد. این اقدام، نخستین گام در راستای ارتقای کیفی سفر معنوی عمره است که هر ساله بخشی از دانشجویان علاقمند دانشگاهها را تحت پوشش قرار خواهد داد.

آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان با فضای ظاهری و معنوی عمره و مشاهد مشرفه، اطلاع از مبانی فکری و اعتقادی و شناخت احکام و آداب مربوط به حج و عمره و نیز آشنایی با فضای دینی، اجتماعی و سیاسی سرزمین عربستان و تحولات عمده جهان اسلام، موضوعات برجسته این مجموعه را تشکیل می دهند.

امید است این مجموعه که در قالب

«سلسله کتب آموزشی ویژه عمره دانشجویی»

تنظیم شده است مورد استقبال و بهره برداری دانشجویان و سایر علاقمندان مباحث عمره و سفرهای مذهبی قرار گیرد. در خاتمه، اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از هر گونه پیشنهاد و نقد خوانندگان فرهیخته و ژرف اندیش استقبال می کند.

با آرزوی توفیق الهی

اداره کل فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



### پیشگفتار

خدای را سپاس می‌گوییم که فرصت و عشق پرستش خود را به بندگان بخشید و مناسک حج و عمره را به منظور پالایش روح و روان آدمی بدو عطا کرد. حج و عمره دو فرصت بسیار استثنایی برای حرکت و جنبش قوای درونی در راه وصول به درجات عالی انسانی است و مهمتر این که این تحرک روحی همراه با حرکت و تکاپوی بیرونی و جسمی نیز همراه می‌باشد و این از ویژگیهای برجسته این مناسک به شمار می‌رود. حاجی را دستور داده اند که بکوشد و ره بیوید و طواف و سعی کند و پروانه وار گرد خانه یار بچرخد تا در این چرخش و جنبش ناخالصی‌ها از گوهر وجود او کنده و زدوده شود و نهال کمالش به دور از خس و خاشاک بروید.

از جمله ویژگیهای جالب توجه این سفر مادی و معنوی و مناسک عبادی، امکان دیدار هم‌کیشان مسلمان و همگنان با ایمان از هر ملیت و نژاد و مذهب و قومیت است و کیست که نداند در ورای این واقعیت، حقیقتی نهفته و آن منافی است که در سایه ارتباط، تعارف و تعامل میان قشرها و ملت‌های مسلمان حاصل تواند شد. ﴿لِيشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾. و کیست که به این حقیقت اعتراف نکند که جوانان ملت ما با روحیه ای شاداب و ابتهاج ناشی از نفوذ ایمان در

قلبهایشان، به ویژه در صحنه های فرهنگی و علمی آماده اثبات باورها و ارزشهای خویش و رویارویی اندیشمندان با باورهای فرهنگ سلطه و لیبرالیسم جهانی هستند و با شناخت اندیشه ها و مکاتب و تسلط بر زبان گفت و گو راه دیالوگ منطقی بین مذاهب، گرایشها و فرهنگها را ادامه می دهند. امید که این نسیم تفاهم همه آفاق را درنوردد و جانهای هدایت جو را بنوازد.

در این نوشتار برآنیم تا برای آمادگی بیشتر دانشجویان گرامی برای ارتباط هدفمند و موثر با مسلمانان سایر کشورها، یادآوریهها و نکاتی را طرح و توجه علاقمندان این عرصه را بدان جلب نماییم. سعی ما بر آن خواهد بود که آنچه گفتنی است در قالبی گویا و الفاظی مختصر عرضه و از تفصیل پرهیز شود.

((آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکته ها هست بسی محرم اسرار کجاست))



## فصل اول:

## اطلاعات موردنیاز زائران

## الف - آیات و جملات قرآنی موردنیاز برای تفاهم و همفکری با مسلمانان:

قرآن مهم‌ترین مرجع مورد اعتماد مسلمانان و مقدس‌ترین حقیقت الهی است که می‌تواند محور وحدت اسلامی و اقتدار و عزت ایمانی شود و همه نارسایی‌ها و اختلافات را برطرف سازد. در مقام گفت و گو نیز تأثیر آیات قرآن بیش از هر کدام دیگر بوده و احترام و همراهی مخاطب را به همراه می‌آورد. حفظ و نقل آیات می‌تواند ضمن معنویت بخشیدن به فضای گفت و گو، ما را از عنایات و فضائل قرآن بهره‌مند سازد.

## ۱- آیه تطهیر درباره مقام اهل بیت:

﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا﴾ (احزاب / ۳۳)

«خداوند خواسته است که تنها از شما اهل بیت هرگونه زشتی و بدی را دور گرداند و پاک کند پاک کردنی».

۲- آیه مودت درباره محبت اهل بیت:

﴿قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة فى القربى﴾ (شوری)

(۲۳ /

«بگو من از شما اجری نمی خواهم مگر دوستی در حق خویشاوندانم».

۳- آیه مباحله درباره اینکه قرآن علی(علیه السلام) را نفس پیامبر(صلی الله علیه وآله) و حسنین(علیهما السلام) را فرزندان او می داند:

﴿فمن حاجک فيه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا

ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الکافرين﴾ (آل عمران / ۶۱)

«و هر گاه بعد از دانشی که تو را [حاصل] آمده، (باز) کسانی در (مورد) آن با توجه به بحث (و ستیز) برخیزند پس بگو: بیائید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودمان و خودتان، را دعوت کنیم، سپس مباحله می کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم».

۴- وجوب اطاعت پیامبر (صلی الله علیه وآله):

﴿وما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا﴾

(حشر / ۷)

«و هر آنچه رسول برای شما آورد بپذیرید و هر چه را نهی کرد واگذارید».

۵- آیه ولایت درباره جانشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام)

برای پیامبر (صلی الله علیه وآله):

﴿انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكاة و هم راعون﴾ (مائدة / ۵۵)  
 «همانا سرپرست شما خدا و پیامبر و مؤمنانی هستند که نماز بپا می‌دارند و زکات می‌پردازند در حالی که رکوع می‌کنند».

۶- آیه تبلیغ درباره ابلاغ ولایت امیر مؤمنان از سوی پیامبر به مردم در غدیر خم:

﴿يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس﴾ (مائدة / ۶۶)  
 «ای رسول، ابلاغ کن آنچه از سوی خدایت به تو نازل شده و اگر این کار را نکنی رسالتش را ابلاغ نکرده ای و خدا تو را از مردم حفظ می‌کند».

بنا به نقل علامه امینی در الغدير، سی تن از بزرگان اهل سنت مانند ابونعیم اصفهانی و جلال الدین سیوطی معتقدند که آیه فوق در غدیر خم نازل شده و ماموریت ابلاغ و معرفی جانشین رسول خدا را به پیامبر اعلام کرده است.<sup>۱</sup>

۷- درباره اطاعت خدا و رسول:

﴿ومن يطع الله والرسول فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك

۱- الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص ۲۷.

رفیقاً ﴿نساء/۶۹﴾

«و هر کس خدا و رسول را اطاعت کند پس همراه کسانی است که خدا به آنها نعمت داده است از انبیا و راستان و شهدا و صالحان و خوب همنشینی اند ایشان». نتیجه این که منظور از صراط الذین انعمت علیهم در سوره حمد راه پیروی محض از خدا و رسول است.

#### ۸- درباره ضرورت مراجعه به رسول در اختلافات:

﴿فلا وربک لا یؤمنون حتی یحکموا فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مما قضیت ویسلموا تسلیماً﴾  
(نساء/۶۵)

«پس به خدایت سوگند، اینان مؤمن نیستند تا وقتی که تو را در مشاجرات بین خود داور قرار دهند و از آنچه حکم کردی ناخرسندی در دل نداشته باشند و کاملاً تسلیم قضاوت تو باشند».

#### ۹- درباره رحمت و دلسوزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به مناسبت سال پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله):

﴿لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم﴾ (توبه / ۱۲۸)  
«به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است، و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رءوف و مهربان است».

### ۱۰- درباره وحدت مسلمین و پرهیز از تفرقه:

﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكرو نعمه الله عليكم اذ كنتم اعداءً فالألف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)

«و به ريسمان الهی چنگ زنيد و پراکنده نشويد و به ياد داشته باشيد نعمت خدا را که دشمن يکديگر بوديد، پس بين شما دوستی ايجاد کرد و از نعمت خدا برادر شديد».

### ۱۱- درباره عزت و سربلندی مؤمنان و عدم سستی:

﴿ولا تهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين﴾ (آل عمران / ۱۳۹)

«و سست نشويد و اندوهگين نگرديد که شما بالاترينيد اگر مؤمن باشيد».

### ۱۲- درباره خانه کعبه، بايد مرکز هدايت و برکت و امنيت باشد:

﴿ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة مبارکاً و هدى للعالمين فيه آيات بينات مقام ابراهيم و من دخله كان آمناً و الله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً﴾ (آل عمران / ۹۶، ۹۷)

«نخستين خانه ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمين مکه است؛ که پربرکت و مایه هدايت جهانيان است. در آن نشانه‌های روشن، مقام ابراهيم و هر کس داخل آن شود، در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم

است که آهنگ خانه کنند آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند».

### ۱۳- درباره اتحاد مسلمین و عدم درگیری:

﴿و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب  
ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابین﴾ (الانفال / ۴۶)  
«و از خداوند و رسول اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع  
نکنید که سست شوید و مقامتان شکسته شود و شکیا  
باشید که خدا با شکیبایان است».

### ۱۴- درباره ضرورت اقتدار جامعه اسلامی و آمادگی در برابر دشمن:

﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل  
ترهبون به عدو الله و عدوکم﴾ (انفال / ۶۰)  
«و آماده کنید در برابر کافران آنچه از قدرت و امکانات  
و اسبان بسته می توانید تا بوسیله آن دشمنان خدا و دشمن  
خودتان را بترسانید».

### ۱۵- براءت از مشرکان:

﴿واذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان  
الله بری من المشرکین و رسوله﴾ (توبه/۳)  
«و این اعلامی از جانب خدا و رسول برای مردم در روز  
حج اکبر است که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند».

## ۱۶- درباره عدم وابستگی به کفار:

﴿ولا تتركوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار﴾ (هود/۱۱۳)  
 «و به ظالمان تکیه نکنید که آتش شما را خواهد گرفت».

## ۱۷- تأکید بر بصیرت و آگاهی:

﴿قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني﴾ (یوسف / ۱۰۸)  
 «بگو این راه من است که بر اساس آگاهی و بینش، به همراه پیروانم به سوی خدا دعوت می کنم».

## ۱۸- درباره صحابه و یاران واقعی پیامبر (صلی الله علیه و آله):

﴿والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه ...﴾ (توبه/۱۰۰)  
 «پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها از او خشنود شدند».

## ۱۹- ویژگی مهم محمد (صلی الله علیه و آله) و یارانش سخت گیری بر کفار و رحمت بر مؤمنان:

﴿محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم﴾ (فتح / ۲۹)  
 «محمد فرستاده خداست و پیروان او بر کافران

سخت گیر و بین خودشان مهربانند».

#### ۲۰- ضرورت برخورد نیکو و سلام و تحیت در برخوردها:

﴿وإذاحييتهم بتحيةة فحيوا باحسن منها او ردوها ان الله كان على كل شيء حسيباً﴾ (نساء / ۸۶)  
 «هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا به همان گونه پاسخ گویند، خداوند حساب همه چیز را دارد».

#### ۲۱- درباره مسلمانان غیرقابل احترام و منافق:

﴿و ممن حولكم من الاعراب منافقون و من اهل المدينة مردوا على النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتين﴾ (توبه/۱۰۱)  
 «برخی از اعراب اطراف مدینه و برخی از اهالی مدینه منافقانی هستند که تو آنها را نمی شناسی، ما آنها را می شناسیم و آنها را دو بار عذاب خواهیم کرد».

#### ۲۲- درباره تخلف کنندگان از فرمان جهاد:

﴿فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله و كرهوا ان يجاهدوا باموالهم و انفسهم في سبيل الله﴾ (توبه / ۸۱)  
 «بازماندگان از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند، و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنند».



۲۳- درباره توسل و واسطه قرار دادن اولیاء خدا و ائمه:  
 ﴿يا ايهاالذین امنوا اتقواالله و ابتغوا الیه الوسیلة و  
 جاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون﴾ (مائده / ۳۵)  
 «ای مؤمنان تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله  
 بجویید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید».

۲۴- درباره تبرک به آثار و قبور اولیاء خدا:  
 ﴿اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یأت بصیراً﴾  
 (یوسف / ۹۳)  
 یوسف گفت: «این پیراهن من را بپوشید پس بر چهره  
 پدرم بیفکنید تا بینا شود».

۲۵- درباره پرهیز از دوستی با کافران:  
 ﴿یاایهاالذین امنوا لاتتخذوا بطانة من دونکم لا یألونکم  
 خیالاً﴾ (آل عمران / ۱۱۸)  
 «ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری  
 از غیر خود انتخاب نکنید، آنها از هرگونه شرفسادی درباره  
 شما کوتاهی نمی کنند».

۲۶- درباره عدم امکان رؤیت خدا:  
 ﴿لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف  
 الخبیر﴾ (انعام / ۱۰۳)  
 «دیدگان او را درنیابند و او همه دیدگان را درک کند و  
 او لطیف و با خبر از همه چیز است».

**۲۷- درباره دشمنی یهود با مسلمانان:**

﴿لتجدن اشدالناس عداوة للذين امنوا اليهود والذين اشركوا...﴾ (مائده / ۸۲)  
 «قطعاً یهود و مشرکان را دشمن ترین مردم در حق مسلمانان خواهی یافت».

**۲۸- درباره پرهیز از دوستی با یهود و نصارا:**

﴿يا ايها الذين امنوا لاتتخذوا اليهود والنصارى اولياء بعضهم اولياء بعض و من يتولهم منكم فانه منهم...﴾ (مائده / ۵۱)

«ای مؤمنان، هرگز یهود و نصاری را دوست خود قرار ندهید. برخی از ایشان دوست و سرپرست همدیگرند و هرکس از شما با آنان دوستی کند از ایشان خواهد بود».

**۲۹- درباره غلو و مبالغه اهل کتاب درباره دینشان:**

﴿يا اهل الكتاب لاتغلو فی دینکم و لا تقولوا علی الله الا الحق...﴾ (نساء / ۱۷۱)  
 «ای اهل کتاب، در دینتان غلو و اغراق نکنید و درباره خدا جز حقیقت نگویید».

**۳۰- درباره نهی از دشنام و سب اهل ایمان و اسلام:**

﴿ولاتسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدواً بغير علم...﴾ (انعام / ۱۰۸)  
 «وهرگز کسانی را که جز خدا معبود دیگری را می خوانند

دشنام ندهید که مبدا آنان نیز (در پاسخ) ندانسته و بیجا خدا را دشنام دهند».

### ۳۱- درباره سابقه لعن در قرآن و تاریخ انبیا:

﴿لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون﴾ (مائده / ۷۸)  
 «کافران بنی اسرائیل از زبان داود و عیسی پسر مریم مورد لعنت قرار گرفته‌اند به خاطر گناهکاری و تجاوزگری‌شان» (البته منظور تشویق به لعن و تکفیر نیست بلکه جواز لعن در مورد کافران و تجاوزپیشگان را می‌رساند).

### ۳۲- درباره جواز لعن آزاردهندگان رسول خدا (صلی الله علیه و آله):

﴿ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الاخرة و اعد لهم عذاباً مهیناً﴾ (احزاب / ۵۷)  
 «خدا به راستی کسانی را که خدا و رسول را آزار می‌دهند در دنیا و آخرت مورد نفرین و لعن قرار داد و برایشان شکنجه خوارکننده ای فراهم کرده است».

### ۳۳- تغییر سرنوشت و اصلاح امور فقط به دست مسلمانان است:

﴿ذلک بان الله لم یک مغیراً نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم﴾ (انفال / ۵۳)  
 «به این دلیل که خدا هیچگاه نعمتی را بر قومی ارزانی

داشته تغییر نمی دهد تا زمانی که خود شرایطشان را عوض کنند».

### ۳۴- درباره جائز بودن تقیه از دیدگاه قرآن:

﴿من كفر بالله من بعد ايمانه الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان ولكن من شرح بالكفر صدراً فعليهم غضب من الله و لهم عذاب عظيم﴾ (نحل / ۱۰۶)

«کسانی که بعد از ایمان کافر شوند، به جز آنها که تحت فشار واقع شده در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است، آری آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنهاست و عذاب عظیمی در انتظارشان».

همچنین آیه ۲۸ / آل عمران نیز درباره تقیه نازل شده است: ﴿الا ان تتقوا منهم تقاة﴾

### ۳۵- درباره مقام جبرئیل و نهی از دشمنی با او:

﴿من كان عدوا لله و ملائکته و رسله و جبریل و میکال فان الله عدو للكافرين﴾

«هرکس دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد پس خدا دشمن کافران است».

(برخی چنین ادعا می کنند که شیعیان با جبرئیل دشمنی دارند چرا که وحی را به جای علی (علیه السلام) بر محمد (صلی الله علیه و آله) نازل کرده است در حالی که به گفته قرآن او «روح امین» است و دشمن او دشمن خداست و این اتهامی بی اساس می باشد.)

۳۶- درباره نحوه وضو (دوبار شستن و دوبار مسح کردن):

﴿يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهكم وايديكم الى المرافق وامسحوا برءوسكم وارجلكم الى الكعبين...﴾ (مائده / ۶)

«أى کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که به نماز ایستادید پس صورتهایتان و دستانتان را تا آرنج بشوید و بعضی از سرتان و پاهایتان را تا برآمدگی مسح نمایید...».

۳۷- درباره اعتراض در برابر ظلم و حقانیت فلسطینی ها:

﴿لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم﴾ (نساء / ۱۴۸)

«خدا فریاد اعتراض و تندی را جز از سوی کسی که مورد ستم واقع شده دوست نمی دارد».

۳۸- درباره ملعون بودن قاتل عمدی مؤمن:

﴿ومن يقتل مؤمناً متعمداً فجزاءه جهنم خالداً فيها و غضب الله عليه و لعنة و اعد له عذاباً عظيماً﴾ (نساء / ۹۳)

«و هر کسی مؤمنی را عمداً بکشد سزایش دوزخ جاوید است و خدا او را مورد لعنت و خشم خود قرار داده و برایش شکنجه بزرگی آماده کرده است».

(معاویه به عمد کسانی مثل سعید بن جبیر و حجر بن عدی را به شهادت رساند که از مؤمنان حقیقی بود.)

۳۹- مبنای قرآنی گریه بر اموات به ویژه اولیاء خدا:  
 ﴿وقال يا اسفى على يوسف وایبضت عیناه من الحزن  
 فهو کظیم﴾ (یوسف / ۸۴)  
 «و یعقوب گفت: ای وای بر فراق یوسف عزیزم! و از  
 گریه چشمانش سپید شد و سوز دل و داغ فرزند بر دل  
 نهاد».

۴۰- درباره شفاعت به اذن خدا:  
 ﴿یومئذ لاتنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن و رضی له  
 قولاً﴾ (طه / ۱۰۹)  
 «در روز قیامت شفاعت سودی نبخشد مگر آن کس که  
 خدای رحمان به او رخصت داده و سخنش مورد رضای خدا  
 باشد».  
 (آیاتی در قرآن بر امکان شفاعت البته با اجازه الهی  
 تأکید دارند.)

۴۱- برخی بزرگداشت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و  
 جشن میلاد او را بدعت می دانند!  
 ﴿قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا﴾. (یونس /  
 ۵۸)  
 «بگو به خاطر بخشش خدا و رحمت بیکرانش باید  
 شادمان باشند».

و پیامبر بالاترین رحمت الهی است:  
 ﴿وما ارسلناک الا رحمة للعالمین﴾ (انبیاء / ۱۰۷)

«و ما تو را جز به عنوان رحمت برای جهانیان  
نفرستادیم».

و خدا اراده کرده که نام پیامبر را بلندآوازه گرداند:  
﴿و رفعنا لک ذکرک﴾ (الشرح / ۴)  
«و آوازه تو را در جهان بلند کردیم».

#### ۴۲- توسل به اولیاء و درخواست استغفار از آنها:

﴿ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفرو الله  
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً﴾ (نساء / ۶۴)  
«واگر آنها چون به خویشتن ستم کردند، نزد تو آمده از  
خدا طلب آمرزش می کردند و رسول خدا نیز برایشان  
استغفار می کرد خدای را بسیار توبه پذیر و مهربان  
می یافتند».

#### ب - احادیث و روایات مورد نیاز:

پس از قرآن که ندای مستقیم وحی و خورشید روشنگر  
هدایت است نوبت به روایات پیامبر و امامان معصوم می رسد  
که به منزله چراغهای روشن کننده راه برای رهپویان نجات  
می باشند. کاربرد سنجیده و مناسب هر روایت معتبر و پرهیز  
از نقل بی دقت و یا نقل روایات نامعتبر می تواند زمینه  
تفاهمی عمیق و رسیدن به نتایج مفید گردد. در انتخاب  
احادیث سعی شده است به منابع اهل سنت مراجعه شود.

۱- حدیث ثقلین درباره اینکه عترت پیامبر دومین مرجع مسلمانان در دریافت احکام دینی هستند و تخلف از ایشان مانند تخلف از قرآن است:

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی (اهل بیته) و انهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض»<sup>۱</sup>  
 «من در میان شما دو گرانبها به جای می‌گذارم یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیتم و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهد شد تا روز رستاخیز در کنار حوض کوثر به من برسند».

(از این حدیث که بیش از ..... نفر از اصحاب پیامبر آن را نقل کرده‌اند مرجعیت و عصمت امامان اهل بیت استنباط می‌گردد.)

۲- حدیث منزلت درباره مقام جانشینی علی (علیه السلام) برای پیامبر:

قال رسول الله: «اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی»<sup>۲</sup>  
 «ای علی! آیا خشنود نمی‌شوی که نسبت به من به منزله هارون برای موسی باشی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست».

هارون بنابر بیان آشکار قرآن، وزیر و جانشین موسی

۱- مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۸. مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۸۲.

۲- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۲۹، مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۱ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۲.



بود. ﴿واجعل لی وزیراً من اهلی هارون اخی. و قال موسی لآخیه هارون اخلفنی فی قومی...﴾

### ۳- حدیث غدیر خم درباره ولایت و جانشینی امیر مؤمنان (علیه السلام):

طبق نقل مسند احمد بن حنبل که از کتب معتبر حدیث اهل سنت است، پیامبر پس از بیان خطبه‌ای با اشاره به دو امر گرانبهایی که در میان مردم نهاده به آنها سفارش کرد که به آن دو تمسک جویند. سپس دست علی (علیه السلام) را بالا گرفت و فرمود: ای مردم سزاوارترین مؤمنان از خود آنان کیست؟ پاسخ دادند خدا و پیامبرش البته بهتر می‌دانند. پیامبر فرمود: خدا مولای من و من مولای مؤمنان هستم و بر آنها اولی هستم. «ایها الناس من کنت مولاه فهذا علی مولاه» و چند بار تکرار فرمود.<sup>۱</sup>

### ۴- حدیث سفینه درباره اینکه راه نجات، پیروی از اهل بیت است:

قال رسول الله: «انما مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق»<sup>۲</sup>.  
«همانا مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است که هر کس سوار آن شود رهایی یابد و هر کس از آن روی گرداند غرق می‌گردد».

۱- مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲- مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۳۴۳ - الصواعق المحرقة، ص ۱۸۴.

۵- حدیث دوازده امام (اثنا عشر خلیفة) درباره خصوصیات ائمه:

قال رسول الله: «یکون بعدی اثنا عشر خلیفة کلهم من بنی هاشم»<sup>۱</sup>. (پس از من دوازده جانشین خواهند بود که همگی از بنی هاشم اند.)

#### ۶- نام مهدی در روایات:

عن ابن عمر قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «یخرج فی اخر الزمان رجل من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی یملاً الارض عدلاً کما ملئت جوراً فذلک هو المهدی»<sup>۲</sup>.

«عبدالله ابن عمر از پیامبر نقل می کند که فرمود: در آخر الزمان مردی از فرزندان من با نام و کنیه شبیه من ظهور می کند و زمین را پس از جور و ستم پر از داد و عدل می کند و او همان مهدی است.»

#### ۷- حدیث ظهور مهدی:

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «لو لم یبق من الدهر الا یوم واحد لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاًها عدلاً کما ملئت جوراً»<sup>۳</sup>.

«اگر جز یک روز از جهان نمانده باشد خدا قطعاً مردی

۱- صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱ - ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۴.

۲- تذکره الخواص ابن جوزی، ص ۳۶۳ - منهاج السنه ابن تیمیه، ج ۴، ص ۸۶.

۳- سنن ابی داود، ص ۴۲۲.

از اهل بیت مرا برخواهد انگیخت تا زمین را پس از پرشدن از ستم، از عدالت پر کند».

#### ۸- وعده شفاعت پیامبر به مؤمنان:

عن انس بن مالک قال: «سألت النبی ان یشفع لی یوم القیامة. فقال انا فاعل. قلت: فاین اطلبک. قال: علی الصراط»<sup>۱</sup>.

از انس بن مالک روایت شده: «از پیامبر خواستم مرا در روز قیامت شفاعت فرماید. فرمود: شفاعت می کنم. گفتم: کجا تو را بجویم. فرمود: بر پل صراط».

#### ۹- تأکید پیامبر بر زیارت قبر مقدسش:

«من زار قبری وجبت له شفاعتی»<sup>۲</sup>.  
«هرکس قبر مرا زیارت کند شفاعتش بر من واجب می شود».

#### ۱۰- زیارت قبر حضرت حمزه توسط حضرت فاطمه:

«ان فاطمه کانت تزور قبر عمها حمزة کل جمعة فتصلی و تبکی عنده».  
«حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هر جمعه قبر عمویش حمزه را زیارت می کرد و نزد آن نماز می خواند و گریه می کرد».

۱- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۲.

۲- السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۵.

**۱۱- زیارت عایشه از قبر برادرش عبدالرحمن:**

ابن ابی ملیکه می گوید: «عایشه به زیارت قبر برادرش در مکه می رفت». او در منطقه حبشی در نزدیکی مکه وفات یافت و سپس به مکه منتقل و دفن گردید.<sup>۱</sup>

**۱۲- سفارش پیامبر به زیارت قبور بر خلاف کسانی که از**

**زیارت غیر از قبر پیامبر نهی می کنند:**

قال النبی (صلی الله علیه وآله): «کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فانها تزهد فی الدنیا و تذکر الاخرة»<sup>۲</sup>.  
«شما را از زیارت قبور نهی می کردم ولی اکنون به زیارت قبور بروید که مایه زهد در دنیا و یادآوری آخرت است».

(به نظر می رسد نهی اولیه در این روایت مربوط به تکاثرطلبی عرب جاهلیت بوده که برای بیشتر نشان دادن افتخارات قبیله خود به زیارت و شمارش قبور می رفتند و سوره تکاثر و آیه ﴿حتی زرتم المقابر﴾ آنان را توبیخ کرد.)

**۱۳- نهی امیر مؤمنان از دشنام و سب دشمنان:**

قال علی (علیه السلام): «انی اکره لکم ان تکونوا سباین»<sup>۳</sup>.

«من دوست ندارم شما دشنام دهنده باشید».

۱- معجم البلدان بلاذری، ۲ / ۲۱۴.

۲- صحیح مسلم، ص ۶۳.

۳- نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۸۵.

و در بخشی دیگر در پاسخ به دشنامها و جنگ روانی معاویه فرمود: «لاتسبوه واذکروا معالم افعاله». (در پاسخ به یاوه گویی های معاویه) «به اودشنام و ناسزا نگوئید بلکه رفتارها و اعمال او را بازگو کنید».

۱۴- لعن برخی از یاران و مسلمانان از زبان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، در زمانی که قبل از فرارسیدن رحلتش دستور تجهیز سپاه را به فرماندهی اسامه بن زید صادر کرد ولی گروهی نافرمانی کردند:  
قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «لعن الله من تخلف عن جيش اسامه»<sup>۱</sup>.  
«خدای لعنت کند هرکس را که از سپاه اسامه تخلف کند».

۱۵- درباره پیدایش عنوان شیعه از زبان رسول خدا (صلی الله علیه وآله):  
«والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته لهم الفائزون یوم القیامة»<sup>۲</sup>.  
«سوگند به کسی که جانم در دست اوست، به راستی این مرد (اشاره به علی (علیه السلام)) و پیروانش رستگاران روز قیامتند».

۱- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۳.

۲- تفسیر الدر المنثور سیوطی، ج ۲، ص ۵۸۹.

۱۶- توسل یکی از پیشوایان اهل سنت، امام شافعی به اهل بیت پیامبر در پاسخ به کسانی که توسل را جایز نمی‌شمردند:

آل النبى ذریعتى و هم الیه وسیلتی

ارجو بهم اعطى غداً بیدی الیمین صحیفتی

اهل بیت پیامبر دستاویز و وسیله من برای تقرب به خدا هستند و امیدوارم فردا به واسطه ایشان، نامه عمل بدست راستم داده شود.<sup>۱</sup>

۱۷- درباره تقیه : امیر مؤمنان فرمودند:

«التقیة من افضل اعمال المؤمن یصون بها نفسه واخوانه عن الفاجرین»<sup>۲</sup>.

«تقیه از بهترین کارهای مؤمن است که به وسیله آن جان خود و برادرانش را از فاسقان حفظ می نماید».  
(البته کاربرد تقیه درجایی است که پذیرش خطر از جانب مؤمن سودی برای دین و جامعه اسلامی نداشته باشد اما در شرایطی که به خطر افتادن و حتی فداکردن جان موجب زنده کردن دین و احکام اسلامی گردد و آفت بزرگی را از اسلام بزداید جانفشانی لازم و تقیه معنا ندارد. چنانکه در

۱- الصواعق المحرقة از ابن حجرمکی یکی از کتب معتبر نزد اهل سنت.

۲- تفسیر الامام العسکری، ص ۳۲۰.

سیره امامان شاهدیم.)

۱۸- درباره تقیه، امام باقر علیه السلام فرمود:

«التقیة من دینی و دین آبائی»<sup>۱</sup>.

«تقیه، بخشی از دین من و پدرانم است».

۱۹- درباره کارایی توسل به پیامبر در روایت آمده است

که:

عثمان بن حنیف گوید: مرد بیماری نزد پیامبر آمد و درخواست دعا برای شفای خویش کرد. پیامبر فرمود: اگر بخواهی به بعد موکول کنم و اگر نه اکنون دعا کنم. گفت: اکنون برایم دعا کن. پس پیامبر به او دستور داد که با دقت وضو گرفته و دو رکعت نماز گزارد و این دعا را بخواند:

اللهم انی اسألك واتوجه الیک بمحمد نبی الرحمة.  
یا محمد انی قد توجّهت بک الی ربی فی حاجتی هذه لتقضی.  
اللهم فشفّعہ فیّ.

(خدایا من به واسطه محمد پیامبر رحمت به تو روی می آورم و از تو مسألت دارم. ای محمد، به سوی تو روی آورده ام تا حاجتم برآورده شود. خدایا او را شفیع من قرار بده.)<sup>۲</sup>.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴۱ - مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۸ و مستدرک الصحیحین، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲۰- توسلی دیگر از سوی پیامبر (صلی الله علیه وآله):  
بر اساس روایت انس بن مالک، رسول خدا در پی فوت  
فاطمه بنت اسد و حفر قبر توسط یاران، وارد قبر شد  
و گفت:

«خدا کسی است که زنده می کند و می میراند و خود  
زنده نامیر است. خدایا مادرم فاطمه بنت اسد را پیامرز و  
جایگاهش را وسیع کن، به حق پیامبرت و به حق پیامبران  
پیشین»<sup>۱</sup>.

۲۱- درباره اینکه همه اصحاب پیامبر عادل نیستند:  
قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «انا فرطکم علی  
الحوض وسانازع رجالا فاغلب علیهم فاقولن رب اصحابی  
اصحابی! فیقال: انک لاتدری ما احدثوا بعدک»<sup>۲</sup>.  
پیامبر فرمود: «من نزد حوض کوثر بر شما وارد می شوم  
و با مردانی درگیر و بر آنها چیره می شوم و می گویم: خدایا،  
یارانم! یارانم! پس گفته خواهد شد: تو نمی دانی پس از تو  
چه ها کردند».

۱- الدرر السنیة، ص ۸.

۲- مسند احمد، ۲ / ۳۵.



فصل دوم:

## پاسخگویی به پرسشها و شبههها

در منابع و کتب مختلف پرسشها و پندارهای زیادی در ارتباط با تشیع با نگاه کنجکاوانه و یا انتقادی مطرح شده است اما برای هماهنگی بیشتر با عرصه واقعیت و ذهنیت‌های حقیقی مسلمانان در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران و تشیع، بهتر است به مجموعه همین ذهنیت‌ها مراجعه کنیم و درصدد روشنگری و پاسخگویی به آنها باشیم و طبیعی است که گاهی پاسخ مناسب برای یک مخاطب، پاسخ در خور مخاطب دیگر نباشد. بر اساس بررسی‌ها و تحقیقات انجام شده مهمترین موضوعات و پرسشهای مطرح شده از سوی زائران غیر ایرانی حج و عمره معین گردیده است که پاسخ آنها به ترتیب با بیانی مختصر در پی می‌آید:

### ۱- تفاوت‌های اساسی شیعه و اهل سنت چیست؟

تشیع و تسنن دو گرایش از گرایشهای اسلامی هستند که در توحید، نبوت و عصمت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، قرآن و تحریف ناشدگی آن، ایمان به رسالت‌های پیشین و ملائکه و بسیاری موضوعات دیگر مشترکند و اختلافشان در برخی جزئیات و در نحوه برداشت و استنباط معارف و احکام دینی است. البته پاسخگویی کامل به سؤال منوط به تعیین نوع مخاطبان می‌باشد.

الف) در صورت طرح این سؤال از سوی مخاطب اهل اطلاع و مطالعه یا دانشجو و طلبه و عالم دین می‌توان چنین گفت: عمده

تفاوت میان دو گرایش در این است که شیعه معتقد به اخذ تفسیر قرآن و سنت پیامبر در درجه اول از طریق اهل بیت و امامان معصوم (علیهم السلام) و در درجه بعد از سایر صحابه و تابعین می‌باشند. اما اهل سنت با پذیرش ضرورت محبت و برجستگی‌های اهل بیت، در زمینه اخذ دستورها و آموزه‌های دینی همه صحابه از جمله امامان اهل بیت را یکسان می‌شمارند.

نتیجه این تفاوت، اعتقاد به عصمت و امامت اهل بیت نزد شیعه و عدم اعتقاد به آن نزد اهل سنت می‌باشد. البته طبیعی است که با توجه به مشترکات متعدد و گسترده، به خصوص اینکه در اصل ضرورت پیروی از سنت پیامبر در دو گروه هیچ اختلافی وجود ندارد بنابراین نباید دلیلی برای جدایی و تفرقه پیدا شود.

ب) در صورتی که مخاطب از مردم عادی و ناآشنا با مباحث تخصصی باشد می‌توان با تأکید بر مشترکات گفت:

شیعه و اهل سنت هر دو مسلمان و معتقد به پیامبر و قرآن و سایر ضروریات دین‌اند ولی شیعه می‌گوید پیامبر طبق حدیث متواتر ثقلین دو منبع گرانبها جهت هدایت مسلمین بر جای نهاده که یکی قرآن و دیگری عترت است و بر این اساس مسلمانان باید تفسیر و تبیین قرآن و سیره پیامبر را از اهل بیت پیامبر بپذیرند. بیان آیه مودت، آیه تطهیر و آیه ولایت در اینجا مناسب به نظر می‌رسد.

## ۲- دلیل برتری اهل بیت چیست؟

اهل بیت جانشینان بر حق و شایسته رسول خدا هستند نه به دلیل قرابت خونی بلکه به واسطه فضایل برجسته انسانی و الهی که در سایه لطف الهی و تلاش و خودسازی آنها حاصل شده است. مطابق آیه تطهیر آنان از هر گونه پلیدی و بدی به دور هستند و در نتیجه هیچ خطا و گناه از آنان صادر نمی‌شود.

از طرفی آنها ظرف علوم پیامبرند، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره علی (علیه السلام) فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها»

فمن اراد العلم فلیأت الباب»<sup>۱</sup>.

- «یا علی انت تبین لأمتی ما اختلفوا فیه من بعدی»<sup>۲</sup>.

«ای علی تو شرح می‌دهی برای امت من آنچه را پس از من در آن اختلاف کردند».

همچنین بارها پیامبر فرمود: «اقضاکم علی»<sup>۳</sup>.

نیز امام صادق (علیه السلام) درباره علوم امامان فرمود:

«نزد ما صحیفه‌ای است به طول هفتاد ذراع که به املاء رسول خدا و خط علی می‌باشد و همه حلال و حرام حتی دیه جراحات در آن ثبت است»<sup>۴</sup>.

از جمله روایات متواتر و معتبر که مرجعیت علمی و اخلاقی اهل بیت را می‌رساند حدیث سفینه است:

«الا ان مثل اهل بینی فیکم مثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق»<sup>۵</sup>.

«آگاه باشید، هر آینه مثل اهل بیت من در میان شما مانند کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر کس تخلف ورزد غرق گردد».

### ۳- ماجرای غدیر خم چیست؟

یکی از حوادث مهم تاریخی صدر اسلام، ماجرای غدیر خم و نصب امیر مؤمنان به خلافت و امامت بعد از پیامبر است که یکصد و

۱- کنز العمال، ۶۰۰/۱۱ و همچنین در کتابهای معجم الکبیر طبرانی، تاریخ بغداد خطیب، اسدالغابه سیوطی، مناقب خطیب خوارزمی، جامع الاصول ابن اثیر و... نقل شده است

۲- مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۱۲۲/۳.

۳- الاستیعاب، ۳۸/۳.

۴- بحار الانوار، ج ۱ ص ۶۸.

۵- مستدرک حاکم نیشابوری ۱۵۱/۳.

هشتاد صحابی و هشتاد و چهار تابعی آن را روایت کرده‌اند که از جمله آنها خلفای ثلاثه هستند که به یک مورد اشاره می‌کنیم:

«حافظ ابن مغزلی در کتاب مناقب از ابی هریره نقل کرده که عمر بن خطاب گفت: رسول خدا فرمود: «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» این روایت را سمعانی نیز در فضایل الصحابه و محب الدین طبری در ریاض النضره و خوارزمی در مقتل خود و ابن کثیر شامی در البدایة و النہایة از قول خلیفه دوم نقل کرده‌اند»<sup>۱</sup>.

از آنجا که سند این روایت قابل انکار نبوده، برخی در دلالت کلمه مولا به مفهوم دوستی اکتفا کرده و سرپرستی و ولایت را از آن برداشت نکرده‌اند، در حالی که کتب لغت از جمله لسان العرب معانی زیر را برای مولا ذکر می‌کند:

«ناصر، معین، مطاع، سید، مالک، اولی به تصرف و محب و دولت»<sup>۲</sup>.

همچنین طبق نقل حاکم نیشابوری، یکی از علمای برجسته اهل سنت، آن حضرت خطاب به مردم فرمود: «الست اولی بکم» آیا من از شما به شما سزاوارتر نیستم؟ همه پاسخ دادند آری. سپس فرمود: «من کنت مولاہ فہذا علی مولاہ»<sup>۳</sup>.

مجموعه شرایط ماجرای غدیر خم از جمله اجتماع همه قافله‌های مردم در گرمای سوزان، اقرار گرفتن اولیه پیامبر از مردم کاملاً مفهوم ولایت و خلافت برای امیرمؤمنان می‌باشد، چرا که ضرورت دوستی با علی (علیه السلام) با توجه به عموم آیات قرآن (المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض) و به ویژه آیه مودت ﴿الا المودة فی القربی﴾ موضوعی مسلم و قطعی بوده است.

۱- الغدیر علامه امینی، ج ۱، ص ۵۶.

۲- لسان الوب، ابن منظور، ج ۱۵، ص ۴۰۴.

۳- مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۹.

### ۴- نظر شیعه درباره صحابه

از نظر ما به هر کسی که اندک مصاحبتی با پیامبر داشته نمی‌توان صحابی گفت و در تعریف واقعی صحابی کسی است که علاوه بر همنشینی و همراهی ظاهری در باطن و رفتار و اخلاق هم پیرو پیامبر باشد. از طرفی با توجه به آیات متعدد قرآنی و شواهد مسلم تاریخی و روایی نمی‌توان تمام اصحاب پیامبر را هم ردیف و یا قابل تکریم و احترام دانست. برخی از دلایل این عقیده عبارتند از:

الف) هر چند در برخی آیات قرآن، صحابه پیامبر به اوصافی چون بیعت کنندگان شجره، سابقین اولین، اصحاب الفتح، مهاجرین از دیار و اموال توصیف شده‌اند اما برخی دیگر از ایشان در آیات دیگری به القاب منافقین، سماعون فتنه، بیمار دلان ﴿فی قلوبهم مرض﴾ و صاحبان اعمال خوب و بد نیز ملقب شده‌اند که البته اقلیت اندکی از آنان را تشکیل داده‌اند. در نتیجه، ارزیابی منطقی مبتنی بر عملکرد یکایک صحابه و اظهارات آنها ملاک برخورد با آنها خواهد بود و کسانی چون مروان بن حکم، مغیره بن شعبه، ولید بن عقبه و بسر بن ارقطه هر چند جزء صحابه بودند به دلیل سوابق نامطلوب و ظلم فراوان، در روایت مورد اعتماد نیستند.

از منظر عقل نیز هرگز امکان اعتماد و تبعیت از افرادی که کاملاً در نقطه مقابل یکدیگر از حیث اخلاق و اعمال بوده‌اند مانند علی (علیه السلام) و معاویه امکانپذیر نمی‌باشد.

خلاصه اینکه نظر شیعه درباره صحابه این است که صحابی بودن موجب عدالت نمی‌شود بلکه ملاک عدالت، سیره عملی و اخلاقی فرد است که او را در زمره مؤمنان واقعی یا منافقان قرار می‌دهد.

### ۵- علت بوسیدن و تبرک جستن شیعیان به

#### ضریح و دیوار حرم و اماکن مقدس چیست؟

در پاسخ به کسانی که با مفهوم ظاهری آیات و روایات قانع

می‌شوند می‌توان به جریان پیراهن یوسف و شفای حضرت یعقوب و برخی روایات اشاره کرد؛ هنگامی که یوسف خود را به برادرش معرفی کرد و آنها را مورد عفو قرار داد فرمود:

﴿اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یأت بصیراً﴾ (یوسف

(۹۳/

«این پیراهن مرا با خود ببرید و بر صورت پدرم افکنید تا دیدگانش بینا گردد». و چنین هم شد و چشمان یعقوب بینایی‌اش را بدست آورد.

بر اساس روایات، عبدالله بن عمر که از راویان برجسته است می‌گوید: پیامبر را مشاهده کردم که حجرالاسود را لمس می‌کرد و می‌بوسید.<sup>۱</sup>

درباره تبرک به پیامبر، ابن حجر عسقلانی از نویسندگان مشهور اهل سنت چنین نقل می‌کند: ان النبی (صلی الله علیه وآله) کان یؤتی بالصیبان فیتبرک علیهم.<sup>۲</sup>

کودکان را نزد پیامبر می‌آوردند و آن حضرت به منظور تبرک آنان دعا می‌فرمود.

همچنین در پاسخ کسانی که به استدلالهای عقلی و کلامی تمایل دارند می‌توان اضافه کرد:

میان احترام و تکریم و تبرک از یک سو و تقدیر و پرستش از سوی دیگر تفاوت آشکاری وجود دارد. اگر کرنش و حالت خضوع در برابر یک شخص یا یک شیء با قصد پرستش و خدا پنداشتن او همراه باشد قطعاً عبادت محسوب شده و شرک تلقی می‌گردد. اما اگر بوسیدن و لمس کردن به قصد احترام صاحب قبر یا تکریم روح ملکوتی صاحب آثار باشد، نه تنها اشکالی نخواهد داشت بلکه به عنوان مصداق تعظیم شعائر الهی ﴿و من یعظم شعائر الله فانها من

۱- الاصابه، ج، ص ۷.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، کتاب الحج، ص ۱۵۲.

تقوى القلوب و یادآوری ایام الهی ﴿فذكرهم بأيام الله﴾ و در مورد قبور امامان، مصداق محبت اهل بیت پیامبر ﴿الا المودة فى القربى﴾ خواهد بود.

روایت زیر از صحیح بخاری درباره عشق و تبرک اصحاب به پیامبر جالب توجه است:

«و اذاتوضاً کادوا یقتلون علی وضوئه»<sup>۱</sup>.

و چون پیامبر وضو می‌گرفت نزدیک بود مسلمانان بر سر آب وضوی او با یکدیگر درگیر شوند.

به عنوان آخرین نکته به سیره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سرور زنان عالم که قطعاً از اهل بیت مطهر و معصوم و حداقل از صحابه رسول است مراجعه کنیم که علی (علیه السلام) درباره او می‌فرماید: فاطمه پس از وفات پدر نزد قبر ایشان می‌رفت و مشتی از خاکش را بر دیده می‌نهاد و می‌گریست و این ابیات را زمزمه می‌کرد:

ماذا علی من سَمَع تربة احمد ان لا یَشُمَّ مدی الزمان غوالیا

صبت علی مصائب لوانها صبت علی الایام صرن لیالیاً

چیست بر آن کس که تربت احمد را بوییده است اگر در طول زمان هرگز بوی خوشی را استشمام نکند؟! بر من مصیبت‌هایی فرو بارید که اگر بر روزها فرو می‌آمد به شب مبدل می‌شدند<sup>۲</sup>.

## ۶- چرا در اذان «اشهد ان علیاً ولی الله» می‌گویید و چیزی به اذان اضافه می‌کنید؟

در پاسخ این سؤال باید تأکید کرد که همه شیعیان بویژه علما و

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۹۵.

۲- ارشاد الساری، قسطلانی، ۳۹۰/۲.

مراجع معتقدند که شهادت به ولایت امیر مؤمنان جزئی از اذان یا اقامه نیست و هیچ کس مجاز نیست آن را به عنوان جزء یا بخشی از اذان شرعی بیان کند. در خصوص مبنای بیان این جمله نیز باید به آیه ۵۵ سوره مائده که مشهور به آیه ولایت می‌باشد مراجعه کنیم که در آن لقب ولی‌الله به علی (علیه السلام) اعطاء شده است.

﴿انما ولیکم الله و رسوله والذین امنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون﴾.

«همانا ولی و سرپرست شما خدا و رسول و مؤمنانی هستند که نماز بپا دارند و زکات را در حال رکوع می‌دهند».

بر اساس نظر تفاسیر و منابع متعدد اهل سنت از جمله تفسیر طبری (۱۸۶/۶) احکام القرآن (۵۴۲/۲)، تفسیر بیضاوی (۳۴۵/۱) والدرالمنثور (۲۹۳/۲) این آیه شریفه در مورد صدقه بخشیدن علی در هنگام نماز در مسجد نازل شده و دلالت قطعی بر ولایت علی در طول ولایت خدا و رسول دارد. و از آنجا که در بیان کلمات و جملات نیت نقش مهمی دارد و شیعیان اعتراف به ولایت علی را بعنوان شعاری دینی و نه بعنوان جزئی از اذان بر زبان می‌آورند نباید اشکالی بوجود آورد. یادآوری می‌شود که گفتن اذکار اعتقادی در اثنای عبادت بلا اشکال می‌باشد.

ضمن اینکه اگر اضافه نمودن هر سخن را در داخل اذان به هر شکلی ممنوع بدانیم توجیهی برای جمله (الصلوة خیر من النوم) که از نظر عموم اهل سنت توسط عمر به اذان صبح اضافه شده وجود ندارد ضمن اینکه این کار باعث حذف جمله‌ای قطعی از اذان شده است (حی علی خیر العمل).

## ۷- آیا شیعه به تحریف قرآن معتقد است؟ قرآن

### شیعه با قرآن اهل سنت چه تفاوتی دارد؟

تحریف یعنی هر گونه تغییر در متن و محتوای قرآن از طریق



کاهش یا افزایش یا تبدیل؛ درباره دیدگاه شیعه پیرامون قرآن اتهامها و جوسازیهای گسترده‌ای انجام شده که ضرورت پاسخگویی را روشن می‌سازد در پاسخ به افراد عادی باید ضمن اظهار تعجب از این سؤال و تأکید بر یکسان بودن قرآن شیعه با قرآن اهل سنت به محوری بودن و اهمیت اساسی قرآن در ایجاد وحدت امت اسلامی اشاره کرد. اعتقاد به قرآن در کنار اعتقاد به پیامبر و محبت اهل بیت، محورهای اصلی همگرایی اسلامی محسوب می‌شوند و بایستی در همه گفت و گوها به آنها توجه ویژه شود. در صورت امکان نشان دادن قرآن چاپ ایران برای اثبات سخن نیز بسیار مفید است.

در پاسخ اهل علم می‌توان چنین گفت:

قرآنهاى چاپ ایران هیچگاه متفاوت از قرآنهاى چاپ مصر و عربستان و سایر کشورهای اسلامی نبوده است. حتی در حالی که قرآنهاى چاپ پیش از انقلاب با رسم الخط متناسب با زبان فارسی یعنی با اندکی تفاوت نوشتاری نسبت به رسم الخط عربی نگارش می‌شد، پس از انقلاب با الهام‌گیری از روحیه وحدت‌گرایی و نفی تفرقه در امت اسلامی، اکثر قرآنها حتی از نظر خوشنویسی و رسم الخط بر اساس مصحف عثمان طه نگاشته و منتشر می‌شود و هیچگونه تفاوتی با قرآن موجود در حرمین شریفین ندارد چون بر اساس قراءت حفص از عاصم می‌باشد. در حالی که در برخی کشورهای عربی قرآنهاى به روایت «ورش» منتشر می‌گردد.

در خصوص تحریف نیز تردیدی وجود ندارد که بر اساس وعده قرآنی ﴿إنا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون﴾ و اجماع مسلمانان هیچگونه تحریفی به ساحت مقدس قرآن راه نیافته است و اگر معدود افرادی چه از علمای شیعه و چه اهل سنت سخنی دال بر تحریف به زبان آورده‌اند دلیل و شاهد قابل توجهی بر مدعای خویش نیاورده و فقط موجب ایجاد جنجال بی اساس و نزاعی بی پایه و در نتیجه، بدبینی و بی‌اعتمادی بین برخی از مسلمانان شده‌اند. از علمای مشهور شیعه که بر تحریف ناپذیری و تحریف ناشدگی قرآن تصریح کرده‌اند

می‌توان به شیخ صدوق، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه طبرسی، سید بن طاووس، فیض کاشانی، بهاء‌الدین عاملی، شیخ حر عاملی، کاشف الغطاء و امام خمینی اشاره کرد که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

**شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ):** اعتقاد ما درباره قرآن این است که آن سخن خدا و وحی است و کتابی است که باطل در آن راه ندارد و از جانب پروردگار حکیم و دانا نازل گردیده است و او فرستنده و نگهبان آن می‌باشد.<sup>۱</sup>

**شیخ طوسی (۴۶۰ هـ):** اما سخن در فزونی یا کاستی قرآن، از مطالبی است که در خور این کتاب نمی‌باشد، زیرا همه مسلمانان بر عدم فزونی آن اتفاق نظر دارند و در مورد کاستی آن هم ظاهر مذهب مسلمانان بر خلاف آن است.<sup>۲</sup>

**طبرسی مفسر مشهور:** در مورد فزونی قرآن، همه امت اسلامی بر بی‌پایگی آن اتفاق نظر دارند و اما در مورد کاستی شدن آیات آن اندکی از اصحاب ما و گروهی از فرقه حشویه از اهل سنت روایاتی آورده‌اند ولی آنچه از مذهب ما پذیرفته شده و صحیح است بر خلاف آن می‌باشد.<sup>۳</sup>

## ۸ - آیا تقیه به معنای نفاق نیست؟

منظور از تقیه، کتمان عقیده به هنگام مواجه شدن با خطر است. شیخ مفید از علمای بزرگ شیعه می‌گوید: تقیه مستور داشتن اعتقاد باطنی و کتمان آن در برابر مخالفان به جهت ترس و اجتناب از زیانهای دنیوی و دینی است.<sup>۴</sup>

۱- الاعتقادات، شیخ صدوق، ص ۹۳.

۲- تبیان، ۱۹۰، ص ۳.

۳- مجمع البیان، طبرسی، ۱۹۰، ص ۱۰.

۴- تصحیح الاعتقاد، ص ۶۶.

از لحاظ عقلی، زمانی که انسان احساس می‌کند با اظهار عقیده، جان او و یا دیگران به خطر جدی می‌افتد و با پذیرش خطر هم نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شود لازم است به طریقی جان خود را حفظ کند. البته در جایی که استقبال از خطر موجب تحقق اهداف متعالی دین مانند دفع تجاوز دشمن به حریم دین یا انجام فرمان ولی خدا باشد، قطعاً جای تقیه و عقیده پوشی وجود ندارد.

از لحاظ قرآن نیز آیات متعددی بر جواز و بلکه لزوم تقیه دلالت دارند:

۱- (آل عمران، ۲۸): ﴿لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ﴾.

مؤمنان هرگز کافران را به دوستی نگیرند و هر کس چنین کند از سوی خدا توجیهی ندارد، مگر آنکه از آنان تقیه کنید و خدا شما را از (نافرمانی) خود بری داده و بازگشت به سوی خداست.

۲- در آیه ۲۸ سوره غافر، قرآن مؤمن آل فرعون را به تقیه و کتمان عقیده در دربار فرعون توصیف و تحسین می‌کند:

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَمَا لَهُ بِاللَّهِ مِنَ الْعِزَّةِ﴾.

«و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت گفت: آیا می‌خواهید مردی را که می‌گوید پروردگارم الله است بکشید».

روشن است که در جو کفر آمیز و استکبار آلود دربار فرعون جایی برای اظهار نظر و اقدام عملی مؤمن آل فرعون نبود و اگر دست به اقدامی می‌زد جان خویش را از کف می‌داد. در حالی که با رعایت اصل تقیه و کتمان عقیده، مؤمن ذخیره‌ای برای زمان مناسب گشت و با ورود موسی، او نیز ندای ایمان و همراهی با موسی را سر داد و باعث تقویت دعوت موسوی شد.

شبهه این ماجرا در آغاز دعوت اسلامی برای مسلمانان

پاکبخته‌ای چون عمار یاسر، مصعب، بلال و سمیه اتفاق افتاد که یاسر و سمیه در اثر شدت علاقه به اسلام و پیامبر، حاضر به اظهار شرک نشدند و به شهادت رسیدند اما عمار با تقیه جان سالم به در برد و پیامبر و قرآن نیز عمل او را تأیید کردند. اما اینکه موضوع تقیه که یک رویه قرآنی و وظیفه هر مؤمن در شرایط خاص است چرا بیشتر در مورد شیعه به کار می‌رود، به دلیل فشارهای شدیدی است که در روزگار حاکمیت اموی و عباسی بر علیه شیعیان اعمال می‌شد، به طوری که هیچ دوستدار علی و شیعه اهل بیت نمی‌توانست از خطر شکنجه و محرومیت و حتی مرگ در امان باشد و حتی تهمت تشیع و رفض گاهی از تهمت «زندیق» بالاتر دانسته می‌شد!

لازم به ذکر است که بسیاری از صحابه مسلمانان صدر اسلام نیز برای رفع خطرهایی که از ناحیه مخالفان محتمل بوده اقدام به تقیه می‌کرده‌اند. ابن جوزی از نویسندگان مشهور حنبلی می‌نویسد:

«روزی واصل بن عطا - از بزرگان اهل سنت - همراه گروهی به سفری عازم شد. در مسیر با گروهی از خوارج مواجه شدند، وی به همسفران گفت بگذارید تنها من با آنها سخن بگویم. وقتی خوارج به آنها رسیدند خواستند حمله کنند. واصل گفت: چگونه حمله را حلال می‌کنید در حالی که نمی‌دانید ما که هستیم و برای چه آمده‌ایم؟ گفتند: بله، شما کیستید؟ واصل گفت: گروهی از مشرکین که آمده‌ایم تا کلام خدا را بشنویم گفتند: دست از آنها بردارید و یکی از آنها شروع به خواندن قرآن کرد چون تمام کرد واصل گفت: کلام خدا را شنیدیم، حال ما را به وطن خود بازگردانید تا در آیات فکر کنیم. گفتند: این کار لازم است پس حرکت کردند و ما را تا فرسنگها همراهی و محافظت کردند.<sup>۱</sup>

۱- کتاب الاذکیاء، ابن جوزی، ص ۱۳۶.

## ۹- چرا شیعیان بیش از حد بر اهل بیت پیامبر تأکید می کنند در حالی که اهل سنت هم دوستدار خاندان پیامبرند؟

آیه تطهیر و ولایت و نیز روایات متعدد روشن می کند که بر اساس تعالیم و آموزه های صریح قرآن و روایات چاره ای جز مراجعه و تبعیت از اهل بیت برای شناخت و پیاده کردن دستورهای دین وجود ندارد و خداوند داناتر است که رسالت خود را کجا قرار دهد ﴿الله اعلم حیث يجعل رسالته﴾. ارتباط بین پیرو و پیشوا درجاتی دارد که از قبول لفظی، شروع و تا ارادت قلبی و تبعیت عملی ادامه می یابد. اتفاقاً نکته در اینجا است که آیا اعلام دوستی وقتی که با پیروی همراه نباشد می تواند حقیقی شمرده شود یا خیر؟ قرآن می فرماید: ﴿قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی يحبکم الله﴾ (آل عمران/۳۱) بگو ای مردم اگر خدا را دوست می دارید مرا (پیامبر را) پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد. یعنی شرط دوستی خدا تبعیت محض از پیامبر است. و به قول امام صادق (علیه السلام):

تعصى الاله وانت تطهر حبه      هذا لعمرى فى الفعال بدیع  
لو كان حبك صادقا لاطعته      ان المحب لمن يحب مطیع

خدای را نافرمانی می کنی و تنها به زبان محبتش را اظهار می کنی  
این - به جانم سوگند - کار عجیبی است.  
اگر دوستی تو صادق بوده او را اطاعت می کردی  
چرا که دوستدار عاشق، مطیع محبوب است.  
البته تردیدی نیست که بسیاری از برادران اهل سنت، بر اساس

محبت عمیق نسبت به پیامبر و خاندان پاک او سعی در پیروی سیره اهل بیت نیز دارند اما این حقیقت را نیز باید در نظر داشت که بسیاری از فتواها و احکام در طول قرن های گذشته بر خلاف سیره و روش اهل بیت صادر شده است در حالی که حتی اگر به امامان اهل بیت به عنوان یک راوی موثق نظر می داشتند بایستی بیش از این به دیدگاه ها و روایات ایشان اهمیت می دادند. به عنوان نمونه، در حالی که در دوران شکوفایی علمی زمان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) بسیاری از راویان برجسته از شاگردان ایشان بودند و روایاتشان در کتب مختلف نقل می شد، چرا هیچ سخنی از امام صادق (علیه السلام) در مهمترین منبع حدیثی اهل سنت (صحیح بخاری) روایت نمی شود؟ آیا این مفهوم مودت فی القربی است؟ و با توجه به دلالت قطعی آیه تطهیر (که عموم مفسران دو مذهب شکی در اینکه شامل اهل بیت می شود ندارند) چه کسی از اینان که مطهر و پاک شمرده شده اند صادقتر و موثقتر یافت می شود که بخاری و برخی حدیث نویسان دیگر از او نقل نمی کنند اما از بسیاری از راویان ضعیف و گمنام روایت می کنند.

از سوی دیگر، شایسته است به محتوای آیه مودت نیز نظری بیفکنیم تا روشن شود منظور از مودت فی القربی در سوره شوری چیست؟

﴿... قل لا اسألکم علیه اجرا الا المودة فی القربی...﴾ (شوری ۲۳/)  
 در این آیه از زبان پیامبر اسلام اجر رسالت با آن همه سختی و تلاش در دوستی نزدیکان پیامبر خلاصه شده است در حالی که چند تن از انبیا پیشین بیانی متفاوت داشته و همگی خود را بی نیاز از پاداش مردم اعلام می کنند: ﴿و ما اسألکم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین﴾ (الشعراء/۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰)

«و از شما پاداش نمی خواهم. پاداش من جز بر عهده خدای جهانیان نیست.»

سؤال اینجاست که در حالی که انبیاء پیشین هرگونه مزدی برای رسالت خویش نمی خواهند اما پیامبر خاتم مزد را در محبت خلاصه می کند آیا تنها اظهار دوستی صرف، منظور است یا هدف متعالی و والاتری در این درخواست نهفته است که ضامن حفظ پیامها و ارزشهای انبیاست؛ و با این پاداش، تمام رسالت انبیاء تحقق می یابد. به ویژه اینکه در جای دیگر فرموده:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوْ لَكُمْ أَنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ...﴾

(سبأ/۴۷)

«آنچه بعنوان پاداش از شما خواستم به سود خودتان است. پاداش واقعی من بر خداست».

#### ۱۰- چرا شیعیان بر مهر یا تربت سجده می کنند؟

پاسخ ساده برای عموم اینکه سجده گزاران بر تربت یا حصیر یا قسمتی از زمین نیز از سنت و سیره پیامبر گرفته شده است، چنانکه در حدیث پیامبر در کتب معتبر شیعه و سنی وارد شده است:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «جعلت لى الارض مسجداً و طهوراً»<sup>۱</sup>.

«زمین برای من، سجده گاه و مایه پاکیزگی است».

به علاوه اینکه بسیاری از صحابه و بزرگان اسلام نیز به این سیره پای بند بوده اند؛ نافع می گوید:

عبدالله بن عمر به هنگام سجده دستار (عمامه) خود را بر می داشت تا پیشانی خود را بر زمین بگذارد.<sup>۲</sup>

و در موارد متعدد، پیامبر سجده بر خاک را توصیه و یادآوری می فرمود:

۱- صحیح بخاری، کتاب الصلوه، ص ۹۱.

۲- سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

«پیامبر مردی را در حال سجده مشاهده کرد که بر گوشه عمامه خود سجده می کرد به وی اشاره کرد که دستار خود را بردار و به پیشانی او اشاره فرمود.»<sup>۱</sup>

البته یادآوری می شود که در نهایت، این یک موضوع فقهی است که هرگز نمی تواند موجب نگرانی و تفرقه جامعه اسلامی شود بلکه مهم اشتراک نظر در مسائل مهمتر و کلان جهان اسلام و عقیده اسلامی است.

در پاسخ به افرادی که از آگاهی بیشتری در زمینه مسائل عقیدتی و تاریخی برخوردارند علاوه بر مطالب فوق می توان چنین گفت:

اولاً: باید میان دو مفهوم سجده بر زمین و سجده برای خدا تفاوت گذاشت چون کسانی که بر این امر ایراد می گیرند سجود بر تربت یا تکه ای از خاک را نوعی عبادت خاک یا سنگ می شمارند و در نتیجه شرک می دانند. در حالی که ما برای خدا بر زمین سجده می کنیم و آنچه مهم است سجده برای خدا ﴿أَسْجُدُوا لِلَّهِ﴾ است آیه ۳۷ فصلت می گوید: ﴿لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ﴾. با توجه به روایت پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز سجده برای خدا بر زمین سفارش شده است.

ثانیاً: فلسفه سجده بر خاک یا آنچه از زمین است به نهایت خضوع و خشوع در برابر خدا باز می گردد. هشام بن حکم از امام صادق (علیه السلام) در این باره چنین نقل می کند: «از امام صادق (علیه السلام) درباره آنچه سجده بر آن جایز است پرسیدم. فرمود: سجده تنها باید بر زمین و آنچه می رویاند - به جز خوردنی ها و پوشیدنی ها - انجام گیرد. گفتم فدایت گردم، به چه سبب؟ فرمود: سجده خضوع و اطاعت برای خداست و شایسته نیست که بر خوردنی و پوشیدنی صورت پذیرد زیرا دنیاپرستان، بردگان خوراک و پوشاکند و



انسان در حال سجده در حال پرستش خدا به سر می برد...<sup>۱</sup>.  
 ثالثاً: اگر سؤال شود چرا شیعه اینقدر بر سجده بر تربت یا سنگ  
 اصرار دارد؛ پاسخ این است که همانطور که اصل تشریح فرایض از  
 جانب شرع است. چگونگی انجام آن نیز بایستی از سوی شرع تعیین  
 گردد و بر اساس روایات موجود، سجده بر تربت، خاک یا حصیر به  
 عنوان قدر مسلم آمده است و نمی توان آن را نادرست دانست. اما در  
 مورد سجده بر فرش و موکت و غیره تا زمانی که دلیل قانع کننده ای  
 نیامده است توجیهی وجود ندارد.

ابوسعید از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می گوید:  
 دخلت علی رسول الله (صلی الله علیه وآله) و هو یصلی علی حصیر<sup>۲</sup>.  
 بر رسول خدا وارد شدم در حالی که بر حصیری نماز می خواند.

## ۱۱- آیا قرآن شیعیان ارتباطی با مصحف علی و مصحف فاطمه دارد؟

قرآن شیعیان با قرآن سایر فرق اسلامی هیچگونه تفاوتی ندارد و  
 اینگونه شایعات در واقع از سوی دشمنان وحدت و اقتدار مسلمین  
 ترویج می شود. اما درباره ماهیت مصحف علی و مصحف فاطمه  
 مطالب گفتنی زیادی وجود دارد.

### الف - مصحف امام علی (علیه السلام):

هیچ یک از مسلمانان تردید ندارد که علی (علیه السلام) برجسته  
 ترین کاتبان وحی و نخستین کسی است که پس از رحلت پیامبر  
 دست به کار جمع آوری قرآن گردید. ابن ندیم در این باره می گوید:  
 «چون علی بعد از وفات پیامبر عدم اقبال مردم را به خود دید  
 سوگند خورد که عبایش را به دوش نگیرد تا قرآن را تدوین نماید.

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۸۵، ص ۱۴۷.

۲- سنن بیهقی؛ ج ۲، ص ۴۲۱.

بنابراین مدت سه روز در خانه خود نشست تا اینکه قرآن را جمع و تدوین کرد و این نخستین مصحفی بود که در آن قرآن جمع شده بود.<sup>۱</sup>

درباره ویژگی های این مصحف نیز مباحث زیادی مطرح شده است. سیوطی معتقد است که علی مصحف خود را در جای خود نهاده است.<sup>۲</sup>

همچنین ویژگی مطابقت قرائت آن با قرائت رسول خدا ذکر مکان و زمان نزول آیات، توضیحات تفسیری، تعیین آیات متشابه و محکم که در کتب متعدد به آن اشاره شده است.

درباره سرنوشت این مصحف نیز امامان شیعه تصریح نموده اند که پس از عدم قبول مردم، مصحف امام علی (علیه السلام) به عنوان میراث امامت در دست هریک از امامان بود. و اکنون در دست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) می باشد.

بنابراین هرگز نباید تصور شود که این مصحف چیزی غیر از قرآن مسلمانان است که شیعه بر آن دسترسی داشته و بر اساس آن عمل می کند. بلکه از گنجینه های علوم امامت است که کسی جز امام معصوم از آن آگاهی ندارد.

#### ب - مصحف فاطمه:

بر اساس روایات شیعی، مصحف فاطمه نیز یکی از گنجینه های علمی امامان است و در آن از قرآن، احکام، حلال و حرام نیست بلکه شامل اخباری درباره حوادث آینده در امت اسلامی می باشد. ظاهراً امام صادق (علیه السلام) نیز بارها با این سؤال و کنجکاوی مواجه بود و در پاسخ می فرمود: «والله ما فيه حرف من القرآن». به خدا سوگند حرفی از قرآن در آن نیست.<sup>۳</sup> روایات دیگر نیز هست که این مصحف

۱- فهرست ابن ندیم، ص ۳۰، و الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۷۴.

۳- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۷۴.

را مجموعه ای از معارف و علوم نبوی می داند که توسط آن حضرت بیان شده و علی (علیه السلام) به خط خود نوشته است. آنچه موجب این تصور شده که این کتاب، قرآنی دیگر و مورد توجه شیعیان است اشتراک در لفظ مصحف می باشد، در حالی که کلمه مصحف و نامیدن قرآن به مصحف، منشأ شرعی و قرآنی ندارد، بلکه به خاطر آنکه در ابتدا روی صحیفه های جدا جدا نوشته شده، جمع به هم پیوسته آنها را مصحف نامیده اند و گاهی نوشته های دیگر نیز به این اسم نامیده شده اند.

## ۱۲- چرا شیعیان درباره علی (علیه السلام) و امامان غلو می کنند؟

غلو به مفهوم تندروی و مبالغه و عقاید افراطی در مورد افراد و در امور دینی است و بی تردید از نظر قرآن مردود می باشد:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾  
(مائده/۷۷).

«ای مؤمنان ، در دین خود غلو نورزید و از میان گروهی که خود پیشاپیش گمراه گشته و بسیاری را گمراه کردند و خود از راه راست منحرف شدند پیروی نکنید». در فرهنگ شیعی، غالی کسی است که درباره اهل بیت خارج از معیارهای اسلامی به چیزی معتقد باشد که هرگز خود اهل بیت نیز بدان راضی نیستند. شیخ مفید در موضعی روشن می گوید:

«غلات (غالیان) از جمله متظاهرين به اسلام می باشند که نسبت الوهیت و نبوت را به امیر المؤمنین و امامان از نسل او داده اند و از راه اعتدال خارج شده اند. بنابراین آنان گمراه و کافر می باشند.»<sup>۱</sup>

ابوزهرة از اندیشمندان مصری معاصر، سیاست بنی امیه در حمله به شخصیت علی (علیه السلام) و سب و لعن وی و اعمال فشار بر شیعیان را عامل مهمی در شکل گیری عقاید غلوآمیز در برخی از دوستداران آن حضرت ذکر می‌کند.<sup>۱</sup>

صرف نظر از انگیزه های انتشار عقاید غلوآمیز، امامان اهل بیت با موضعگیری های صریح و سنجیده، مبارزه ای جدی با این پدیده انحرافی به عمل آورده اند. امام صادق (علیه السلام) به ابوبصیر فرمود:

«یا ابا محمد ابرأ ممن یزعم انا ارباب و ابرأ ممن یزعم نحن انبیاء»<sup>۲</sup>.

«ای ابو محمد، من بیزارم از کسی که ما را خدا پندارد همچنان که بیزارم از کسی که ما را پیامبر بداند».

حال، سؤال مهم اینست که آیا اظهار مودت و دوستی اهل بیت که در قرآن پاداش رسالت پیامبر قلمداد شده است و برپا نمودن محافل جشن و شادی و نیز مراسم سوگواری و اظهار همدردی در مصیبت های پیشوایان دین را نیز می‌توان در چارچوب غلو ارزیابی نمود؟! در حالی که قرآن و سنت پر از بیانات صریح و گویا درباره ضرورت دوستی با اهل ایمان و دشمنی با کافران و مشرکان می باشد ﴿اشداء علی الکفار رحماء بینهم﴾ چگونه می‌توان مردم را از اظهار این دوستی دینی و براءت و بیزاری از دشمنان دین به بهانه پرهیز از زیاده روی و اغراق، نهی کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که ضمن پرهیز از اعتقادات شوک آمیز و افراطی مانند آنچه برخی غالیان مسلمان معتقدند بایستی در جهت نشر و بسط عقاید دینی و مذهبی از جمله مشارکت و همدلی در شادی و غم مؤمنان بکوشیم.

۱- تاریخ المذاهب الاسلامیه ۴۱/۱.

۲- منهج المقال، ص ۳۲۵.

ضمناً باید توجه داشت که برخی نسبت های غلوآمیز هم به دروغ، به شیعیان زده شده، که به هیچ وجه از حقیقت بهره‌ای ندارد. به عنوان مثال هیچیک از شیعیان گذشته و حال معتقد به افضلیت علی (علیه السلام) نسبت به پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیستند اما جوسازی و دروغ پردازی‌های گسترده ای را در گوشه و کنار جهان اسلام در این خصوص بر علیه شیعیان شاهدیم که می توان گفت عاملان این جریان، جز به تفرقه و جدایی مسلمانان نمی‌اندیشند.

### ۱۳- چرا شیعیان خلفا را سب و لعن می کنند؟

الف - یکی از گناهان بزرگ که هر مسلمانی باید از آن پرهیز کند سب و ناسزاگویی است که از ردائیل اخلاقی محسوب می گردد. بنا به تصریح روایات، هرکس مرتکب این عمل زشت گردد، روز قیامت مورد نکوهش و عقاب قرار می گیرد.<sup>۱</sup> در حرام بودن دشنام و ناسزا تفاوتی بین مسلم و کافر و بزرگ و کوچک نیست و پر واضح است که ناسزا و سب و بدزبانی نسبت به مؤمن که نزد خدا مقامی بس بلند دارد، گناهی بزرگ به شمار می رود.

آیه ۱۰۸ سوره انعام می گوید: ﴿وَلَا تَسِبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسبُوا اللَّهَ بَغِيرَ عِلْمٍ...﴾.

«هرگز به آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام مدهید تا مبادا آنان نیز از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند».

امیرالمؤمنین در ایام جنگ صفین، وقتی که اصحاب آن حضرت در پاسخ به دشنامهای معاویه و یارانش، می‌خواستند آنها را ناسزا گویند، فرمود: «انی اکره ان تکونوا سبیین» «من دوست ندارم شما فحاش و ناسزاگو باشید. اگر به جای دشنام، اعمال آنان را بر شمرده و حالاتشان را یادآور شوید به حق و راستی نزدیکتر و برای اتمام

۱- مکاسب محرمة، شیخ انصاری، ص ۹۴.

صحبت رساتر است.»<sup>۱</sup>

ضمناً باید توجه داشت که سرآغاز جریان طعن و ناسزا بین اهل اسلام به سیاستها و اقدامات معاویه و سایر حاکمان اموی باز می‌گردد که در اثر دنیاپرستی و دشمنی بی دلیل با آن رسول، باعث ایجاد دشمنی بین امت اسلامی شدند و احیاناً زمینه ساز اقدامات تلافی جویانه دوستداران اهل بیت گشتند. در صحیح مسلم از کتب مهم حدیثی اهل سنت آمده است: معاویه در عصر خلافت خویش مزدوران خود را وادار کرد تا در همه شهرها، لعن و سب علی را به صورت عادتی درآوردند که همه گویندگان برفراز منبرها از آن یاد کنند.<sup>۲</sup>

ب - البته درباره لعن و نفرین، حقیقت به گونه دیگری است. از منظر قرآن لعنت خدا علاوه بر کافران و منافقان، شامل برخی از مسلمانان نیز می‌شود.

﴿ان الذین يؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا و الاخرة و...﴾

(احزاب / ۵۷)

«به راستی کسانی که خدا و رسول را آزار می‌دهند، خدا آنها را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور می‌سازد».

«به راستی کسانی که آنچه از بینات و هدایت نازل کردیم بعد از بیان آن در کتاب، کتمان می‌کنند، خدا آنان را لعن می‌کند و لعنت کنندگان نیز» (بقره / ۱۵۹)

«به درستی که کسانی که زنان مؤمن و پاکدامن و بی‌خبر را متهم می‌سازند در دنیا و آخرت مورد لعنت خدا هستند».

﴿و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله

علیه و لعنه و اعد له عذاباً عظیماً﴾ (نسا / ۹۳)

«و هر کس مؤمنی را به عمد بشکند پس کیفر او دوزخ جاوید است

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶.

۲- صحیح مسلم، ج ۱۶، ص ۲۳۹.

و خدا بر او غضب نموده و مورد لعنت قرار می‌دهد و برایش عذاب بزرگی فراهم می‌کند».

در عین حال، در شرایط کنونی جهان اسلام، هر مسلمان خیرخواه و اصلاح طلب که خواهان پایداری اسلام باشد باید ریشه‌های خصومت، نزاع و کینه میان گروه‌های مسلمان از جمله شیعه و سنی را برکند و بدور از لعن، طعن و دشنام، در پی مصلحت برتر اسلام یعنی وحدت، همدلی و هماهنگی در برابر دشمنان قسم خورده باشد. بی شک هرگونه رفتاری که در تحقق این هدف، مانع ایجاد کند بر خلاف مصلحت مسلمانان و یاری دشمنان خواهد بود.

## ۱۴ - چرا شیعیان نزد قبور امامان و پیامبر گریه می‌کنند؟

انسانها به طور غریزی و بر اساس عواطف پاک انسانی از مرگ بستگان و دوستان خود اندوهگین شده و گریه می‌کنند که گریه در واقع ناشی از تحریک رقت قلب انسان است و از دیدگاه روانشناسی دریچه‌ای مطمئن برای تخلیه هیجانات روحی و احساسات فطری محسوب می‌شود. پیامبر وقتی از مرگ یکی از نوادگان دختری خود گریست و شخصی به او گفت: این چه حالی است ای پیامبر خدا، فرمود:

(این رحمت خداست که در دل‌های بندگانش نهاده و همانا خداوند به بندگان مهربانش رحمت می‌ورزد)<sup>۱</sup>.

«همچنین روایت شده است که: زارالرسول قبر اُمّه و بکی علیها و ابکی من حوله»<sup>۲</sup>.

(پیامبر قبر مادر خود آمنه را زیارت کرده و در آنجا گریست و

۱- الفصول المهمه، شرف الدین ص ۷۸ به نقل از صحیح بخاری.

۲- سنن بیهقی، ۷۰/۴ و تاریخ بغداد ۲۷۹/۷.

اطرافیان را نیز به گریه درآورد).

علی (علیه السلام) نیز در وفات همسرش فاطمه و برخی از یارانش گریه نمود.

این روش نه تنها در میان اهل بیت و پیروانشان بلکه در بین عموم مسلمانان از صحابیان و تابعین و دیگران مرسوم بوده است. طبری در جریان وفات ابوبکر از سعیدبن مسیب چنین روایت می کند: به هنگام وفات ابوبکر، دخترش عایشه بر او اقامه عزا نمود. در این هنگام عمر بن خطاب بر در خانه او ایستاد، و زنان را از گریه نهی نمود ولی آنان دست بر نداشتند. عمر کسی را فرستاد که: وارد خانه شو و دختر ابوبکر را نزد من آور. عایشه چون این سخن شنید گفت: اهل خانه را بر سرت خواهم شوراند، عمر دوباره گفت: داخل خانه شوید که من اجازه داده ام. مردی داخل شد و خواهر ابوبکر را بیرون کشید و عمر چند ضربه تا زیانه به او نواخت. زنان دیگر چون چنین دیدند پراکنده شدند.<sup>۱</sup>

در مسند احمد بن حنبل که یکی از معتبرترین منابع حدیثی اهل سنت است چنین روایت شده:

«چون رقیه دختر پیامبر بمرد، زنان بر او گریستند، عمر کوشید با تازیانه اش آنان را مانع شود. اما پیامبر فرمود: آنان را به حال خود واگذار که بگریند و خود بر سر قبرنشسته و فاطمه نزد او می گریست. پس پیامبر چشم او را با مهربانی با دست خویش پاک می کرد»<sup>۲</sup>.  
جالب اینکه برای توجیه مخالفت با سوگواری و گریه بر نیکان به حدیثی استناد کرده اند که جای بررسی و تأمل فراوان است: گفته اند که:

ان المیت لیعذب بیکاء اهله علیه (مرده با گریه بستگانش عذاب می شود).

۱- تاریخ طبری ج ۴، حوادث سال ۱۳.

۲- مسند احمد، ۱/۳۳۵.



کافی است آیاتی صریح از قرآن را در نظر بگیریم که عذاب و عقاب را تنها نتیجه اعمال انسان می‌داند. وزر وبال عمل هیچکس را بر دوش دیگران نمی‌اندازند ﴿ولاتزر وازرة وزر اخرى﴾. ظاهراً اصل روایت و سخن صحیح این بود که پیامبر بر مرده‌ای یهودی گذر کرد که بستگانش در حال شیون بر او بودند و فرمود: آنها بر او گریه می‌کنند و او در حال عذاب شدن به خاطر گناهان خویش است<sup>۱</sup>.

و اینکه مسلمانان و دوستداران اهل بیت بیش از همه در سوگ امام حسین و عاشورا می‌گیرند به دلیل ظلم آشکار به او و منزلت رفیع او نزد خداست. بهتر است در این مورد به سخن یکی از علمای اهل سنت گوش فرا دهیم:

شیخ محمد مدنی از رجال دارالتقريب مصر در سرمقاله رساله الاسلام به مناسبت ماه محرم می‌نویسد:

این ماه ما را به یاد حادثه‌ای سترگ و فاجعه‌ای عظیم می‌اندازد که مسلمانان تا امروز همچون مادران داغدار برای آن می‌نالند ... اگر حسین در راه خدا و حقیقت شهید شد، قاتلان وی برای همیشه به نفرین خدا و فرشتگان و مردم دچار گشتند و او نزد خدا به همراه پیامبران و صدیقان و شهیدان به بالاترین درجات نائل شد<sup>۲</sup>.

## ۱۵ - توسل به غیر خدا چه دلیلی دارد و آیا به

### معنی شرک ورزیدن نیست؟

توسل به معنی قراردادن وسیله و رابطه برای تقرب به خدا و درخواست حاجت از اوست که موارد متعددی از آن در قرآن و روایات حکایت شده است. طبق بیان قرآن، مردم زمان حضرت عیسی (علیه

۱- ر.ک: الفصول المهمة فی تألیف الأمة، شرف الدین موسوی، ص ۷۸ به نقل از

شرح نووی بر صحیح سلم.

۲- مجله رساله الاسلام، سال ۴، شماره ۴، ۱۳۷۲ ق.

السلام) برای درمان بیماری های لاعلاج خود به وی مراجعه می کردند: ﴿... وأبرئى الأكمه والابرس و احى الموتى باذن الله...﴾ (آل عمران / ۴۹)

«و بیمار مبتلا به گنگی و پیسی را به اذن خدا شفا می دهم و مرده را به اذن او زنده می کنم».

و برادران یوسف برای آمرزش گناهشان به یعقوب متوسل شدند: ﴿قالو یا ابانا استعفرلنا ذنوبنا...﴾ (یوسف / ۹۷)

«گفتند: ای پدر برای ما از گناهانمان طلب آمرزش کن».

قرآن همچنین به مسلمانان توصیه می کند که از پیامبر طلب استغفار کنند.

﴿... ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفرو لله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما﴾. (نساء / ۶۴)

«و اگر ایشان چون به خود ستم کردند نزد تو می آمدند و از خدا طلب بخشش می کردند و رسول خدا برایشان آمرزش می طلبید خداوند را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند».

البته شکی نیست که راههای تقرب و توسل متعدد است و می توان برای نزدیک شدن به خدا به ذکر خدا و عبادت و اعمال نیکو متوسل گردید اما واسطه قراردادن انبیاء و صالحان و امامان نیز جایگاه ویژه خود را داشته و کاملا منطبق با آموزه های صریح قرآن و حدیث است.

به یک روایت در این خصوص اشاره می کنیم:

عثمان بن حنیف می گوید: مرد نایبایی نزد پیامبر آمده گفت: از خدا بخواه که مرا عاقبت بخشد. حضرت فرمود: اگر بخواهی دعا می کنم و اگر صبر کنی برایت بهتر است. گفت: دعا کن. پس پیامبر به او گفت: که وضو بساز و دو رکعت نماز بجا آورده و سپس اینگونه دعا کرد: «اللهم انی اسألك و اتوجه الی نبیک نبی الرحمه یا محمد انی اتوجه بک الی ربی فی حاجتی لنفسی. اللهم اشفنی». ابن حنیف

اضافه می کند: بخدا سوگند هنوز از هم دور نشده بودیم که او را دیدیم در حالی که اثری از نابینایی در او نبود.<sup>۱</sup>

این حدیث به وضوح نشان می دهد که با راهنمایی پیامبر، مرد نابینا به شخص پیامبر متوسل شد و به حاجت خود نایل شد. جالب اینکه طبق ظاهر روایت، پیامبر خود درباره این فرد دعایی نکرد بلکه تنها توسل را به او آموزش داد.

پایان

---

۱- سنن ابن ماجه ۴۴۱/۱، صحیح ترمذی ج ۵ کتاب دعوات، مسند احمد ۱۲۷/۱ و منابع دیگر.